

تأملى در

ادبیات امروز (۱)

عباس پاقی نژاد

Hawthorn

— زادتیه — رسک بخت

卷之三

العانت و نشر كتاب زمان



شکت مطالعات و نشر کتاب یارسه

فهرست مطالب

| | |
|----|---------------------------------------|
| ۲۱ | یادداشت مجموعه |
| ۲۳ | بیشگفتار |
| ۲۷ | مشروطه |
| ۲۷ | نهضت مشروطه |
| ۳۰ | ادبیات مشروطه |
| ۳۱ | شعر مشروطه |
| ۳۲ | درونمایه شعر مشروطه |
| ۳۳ | زبان و قالب شعر مشروطه |
| ۳۴ | شاعران مشروطه |
| ۳۴ | عارف قزوینی |
| ۳۵ | رحم ای خدا - عارف قزوینی |
| ۳۶ | میرزاده عشقی |
| ۳۶ | حاکم به سر - میرزاده عشقی |
| ۳۷ | سیداشرف الدین حسینی گilanی (نیم شمال) |
| ۳۸ | الا تا چند - اشرف الدین حسینی گilanی |
| ۳۹ | فرخی یزدی |
| ۳۹ | ای که پرسی - فرخی یزدی |
| ۴۰ | ملک الشعرای بهار |
| ۴۱ | در شهر بند مهر - ملک الشعرای بهار |

| | |
|-----|---------------------------------------|
| ۱۸۰ | آبی، خاکستر، سیاه - حمید مصدق |
| ۱۸۱ | سرود زمیر - منوچهر آتشی |
| ۱۸۲ | سوگلی - محمدعلی سپانلو |
| ۱۸۲ | خار - عمران صلاحی |
| ۱۸۳ | دریغا آفتاب - علی موسوی گرماودی |
| ۱۸۳ | با پرندۀ‌ها - کاظم‌السادات اشکوری |
| ۱۸۴ | به چهار چهره‌ی کهربائی - علی باباچاهی |
| ۱۸۵ | در سفره - طاهره صفارزاده |
| ۱۸۷ | پس از انقلاب اسلامی |
| ۱۸۹ | شعر پست مدرن |
| ۱۹۰ | شعر پسانیمایی / گفتار و فراغتمن |
| ۱۹۱ | سلام - سیدعلی صالحی |
| ۱۹۳ | اشتباه از ما بود - سیدعلی صالحی |
| ۱۹۳ | ظرفیت شاعرانه، زبانِ محاوره |
| ۱۹۵ | شعر حرکت |
| ۱۹۶ | نامت را - محمود معتقد |
| ۱۹۷ | به پا نرسیده... - شهرام پارسامطلق |
| ۱۹۷ | در ایستگاه - حسین فرجخی |
| ۱۹۸ | شعر فکر / شعر ذکر |
| ۱۹۹ | شعر مدرن |
| ۲۰۰ | فرگایی در مدرنیسم |
| ۲۰۱ | قاعدۀ گریزی در مدرنیسم |
| ۲۰۱ | مختصات شعر مدرن |
| ۲۰۵ | شاعران نوپرداز پس از انقلاب |
| ۲۰۵ | کنار شب - آبکاری، ندا |
| ۲۰۵ | امروز هم - احمدی، مسعود |

| | |
|-----|--|
| ۱۰۰ | سمبولیسم فخر زاد |
| ۱۰۰ | به آفتاب سلامی دویاره خواهم داد - فروغ فخر زاد |
| ۱۰۶ | پرنده مردنی است - فروغ فخر زاد |
| ۱۰۷ | هدیه - فروغ فخر زاد |
| ۱۰۷ | اعتراض، صمیمیت و عاطفه |
| ۱۰۹ | فریدون مشیری |
| ۱۶۰ | سه‌لگیر و رمان‌نیک |
| ۱۶۰ | زبان ساده و فاخر |
| ۱۶۱ | صمیمیت و زیبایی دوستی |
| ۱۶۱ | آخرین جرعه‌ی این جام - فریدون مشیری |
| ۱۶۲ | ماه و سنگ - فریدون مشیری |
| ۱۶۳ | جزر و مد - فریدون مشیری |
| ۱۶۳ | پیوند شاعرانه |
| ۱۶۵ | محمد رضا شفیعی کدکنی (م. سرشک) |
| ۱۶۵ | شعر نو سالم |
| ۱۶۶ | سمبولیسم متعهدانه |
| ۱۶۶ | لطافت و فخامت زبانی |
| ۱۶۷ | در این شبها - محمد رضا شفیعی کدکنی |
| ۱۶۸ | پاسخ - محمد رضا شفیعی کدکنی |
| ۱۶۹ | پژواک - محمد رضا شفیعی کدکنی |
| ۱۶۹ | حاکیت مطلق شب |
| ۱۷۳ | شعر نو، دهه‌ی پنجماه تا انقلاب اسلامی |
| ۱۷۵ | متقدان / شاعران و اشعار نوپردازان |
| ۱۷۵ | متقدان |
| ۱۷۶ | سنگ صحرانشین - محمد زهربی |
| ۱۷۷ | آبی - مفتون امینی |
| ۱۷۸ | صدای تو... - م. آزاد |
| ۱۷۹ | وسوسه‌ی سؤال - رضا براهنی |

| | |
|--|-----|
| پونه‌ها و پروانه‌ها - افسانه شعبان نژاد | ۲۷۲ |
| بال‌ها پروازها - ناصر کشاورز | ۲۷۳ |
| حوض قالی - اسدالله شعبانی | ۲۷۴ |
| مثل یک رنگین کمان - جعفر ابراهیمی (شاهد) | ۲۷۴ |

کتابنامه

یادداشت مجموعه

هیشه خود و آماهن پر منش، مواجهه دیده و می‌بینم که چرا پس لر گذشت چندین دفعه از
یداوش شعر نو نه تنها القای آن بربسیاری ناشایخته مانده، بلکه موجودیت آن از سوی
برخی انکار می‌شود؟ در محیط‌های دانشگاهی خصوصاً در میان اهل ادبیات فارسی هنوز
لسانی هستند که اطلاقی از شعر زمانه‌ی خود ندارند و سلطان از آن نمی‌پرورد آیا ویشه‌ی این
امر، نقیض شعر امروز بوده و علت آن، شاهران نویروزه‌زاری هستند که نتوانسته‌اند آثاری در
شور یافته‌شوند و رغبتی در مخاطبان خویش پدید آورند؟؛ یا علت امر را در جایی دیگر باید
جست. تردیدی نیست که شاهران نویروزه‌دار به حد کافی آثار درخشنان داشته و در بیرون از
قضای دانشگاهها توائیسته‌اند مخاطبان و هواخواهان خود را بساخته. اما در محیط‌های
دانشگاهی چرا این کار می‌سر نگردد؟ پرسشی تأثیر برانگیز بوده که پاسخ دادن به آن هم
ساده است: اهم دلوار ا

سال هاست در دوره‌ی کارشناسی، رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی به تدریس درس ادبیات
معاصر ۱ و ۲ متغول هستم. در این مدت، تجربیات مختلفی را از برگذرانده و با موانع
زیادی مواجه بودم. در تدریس شعر معاصر، مهم‌ترین مانع: الفت دانشجویان با ذهنیت
ستی شعر فیگانگی آنها با موادرین تازه‌ی شاعری بوده که سبب می‌شد آنها با همان
حصارهای مستقیم در صدای خواندن و ارزشی شعر امروز برآیند. این معطل، شناساندن میانی
شاعری شعر امروز و ذکر تفاوت‌های آن را با شعر گذشته‌ی فارسی ضروری می‌نماید.
این کار، مجال زیادی می‌طلبد و لرحت کرنا و کلاس درس، امکان آن را فراهم نمی‌نمود.
مجسمه‌ای که فراهم آمده نتیجه‌ی کار و تجربه‌ی این سال هاست که در آن زونه شعر

نه همچه نیوای، تسامیت داشتند (نحو (لکته رویداد) بله، بلایی که تسلیع شده باند) نه
نالی و میثاء (لین ملص) و دسته بعده این آر لعنه لفظ و همچه بغلته بتلهه، ملء، چه رعد
ت لیوا و خس لیان شی لشی نیوای، همه وحشت و نیسته مدن مدن و نگار و لکش آن آلب جه بالسخ
میش هتخانه و آر لعنه لفظه و لعن لیجه رفعه و لفظها و عده رطبه و روح لشی لیلعته
و لفظه نالیه لکش دسته ریحه و میش ریخته لفظه و لفظه و لفظه و لفظه و لفظه
یادداشت مجموعه

همیشه خود را با این پرسش، مواجه دیده و می بینم که چرا پس از گذشت چندین دهه از
پیدایش شعر نو، نه تنها الفبای آن بر بسیاری ناشناخته مانده، بلکه موجودیت آن از سوی
برخی انکار می شود؟ در محیط های دانشگاهی خصوصاً در میان اهل ادبیات فارسی هنوز
کسانی هستند که اطلاعی از شعر زمانه خود ندارند و حظی از آن نمی برند. آیا ریشه این
امر، نقص شعر امروز بوده و علت آن، شاعران نوپردازی هستند که توانسته اند آثاری در
خور بیافرینند و رغبتی در مخاطبان خویش پدید آورند؟ یا علت امر را در جایی دیگر باید
جست. تردیدی نیست که شاعران نوپرداز به حد کافی آثار درخشنان داشته و در بیرون از
فضای دانشگاهها توانسته اند مخاطبان و هواخواهان خود را بیابند. اما در محیط های
دانشگاهی چرا این کار میسر نگردیده؟ پرسشی تأمل برانگیز بوده که پاسخ دادن به آن هم
ساده است؛ هم دشوار!

سال هاست در دوره‌ی کارشناسی، رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی به تدریس درس ادبیات
معاصر ۱ و ۲ مشغول هستم. در این مدت، تجربیات مختلفی را از سرگذرانده و با موانع
زیادی مواجه بوده‌ام. در تدریس شعر معاصر، مهم‌ترین مانع، الفت دانشجویان با ذهنیت
ستی شعر و بیگانگی آنها با موازین تازه‌ی شاعری بوده که سبب می‌شد آنها با همان
معیارهای ستی در صدد خواندن و ارزیابی شعر امروز برآیند. این معضل، شناساندین مبانی
ساختاری شعر امروز و ذکر تفاوت‌های آن را با شعر گذشته‌ی فارسی ضروری می‌ساخت که
این کار، مجال زیادی می‌طلبید و فرصت کوتاه کلاس درس، امکان آن را فراهم نمی‌نمود.
مجموعه‌ای که فراهم آمده نتیجه‌ی کار و تجربه‌ی این سال هاست که در آن روند شعر